

نامه‌های جامی

آقای عصام‌الدین اورونبایف که از ایرانشناسان و نسخه‌شناسان معروف ازبکستان و ساهاست در شعبه نسخ خطی فرهنگستان آن سرزمین شاغل است چند سال پیش کتابی دربارهٔ مجموعه نامه‌ها و یادداشتهای خطی عبدالرحمن جامی منتشر ساخت (۱۹۸۲) و پس از آن مجله خراسان (چاپ کابل) ترجمه‌ای از تحقیقات اورنبايف را به چاپ رسانید. چون این مجموعه از نوشته‌های جامی حاوی اهمیت خاص از جهت تاریخ اجتماعی و محیط و زندگی شخصی شاعرست برای آگاهی علاقه‌مندان در ایران چاپ می‌شود. (آینده)

در همه کتبی که دربارهٔ زندگی، آثار و موارث ادبی مولانا جامی و میرعلی شیرنوایی تألیف گشته، راجع به مناسبات دوستی و هم سلوکی که بین این دو ادیب موجود بوده سخن رفته است و منابع این آثار هم بیشتر مکاتیب هر دو شخصیت است که در همان وقت میان شان مبادله شده و نمونه‌های ازین نامه‌ها و «خمس‌المتحیرین» نوایی و «منشآت» مولانا جامی مرقوم است.

قرار معلوم، امیرعلی شیرنوایی، بعد از وفات استاد و دوست خود مولانا جامی، به منظور جاویدان ساختن خاطره‌های دوستی و همکاری ایجادي میان جامی و خودش، «خمس‌المتحیرین» خویش را در پنج فصل «باب» نوشت. در باب دوم این رساله نمونه‌هایی از مکاتیب نوایی که به جامی فرستاده است، آورده شده (مجموعاً هفده نامه). برخی ازین نامه‌ها را به تمامی و بعضی دیگر را باختصار درج خمس‌المتحیرین کرده و در مورد اینکه هریک ازین نامه‌ها به کدام مناسبت فرستاده شده با شرح و تفصیل بیان کرده و نامه‌های جوابی آنرا نیز درج کرده است.^۱

در منشآت جامی بیشتر از نود نامه تدوین گردیده است. این مکاتیب به اساس اینکه عنوانی چه اشخاصی نگاشته شده، به چهار بخش تقسیم گردیده و هر بخش تحت عنوان علیحده می‌باشد. بخش سوم منشآت عنوان «رقعه‌هایی که به ارکان دولت نوشته شده» را دارد،^۲ و در تحت این عنوان سی و سه نامه یا رقع درج است، در این نامه‌ها اگرچه نام مرسل الیه تذکر نیافته. لیکن از محتوای نامه‌ها چنین استنباط می‌شود که اساساً مولانا جامی از «ارکان دولت» شخصی را در نظر دارد که در بین سال‌های (۸۷۳-۸۸۹ ه.ق) در دربار تیموریان هرات وظایف عمده را به عهده داشته و آن شخص جز امیرعلی شیرنوایی شخص دیگری نمی‌تواند بود.

علاوه بر آن ده نامه از جمله همین سی و سه نامه منشآت جامی در خمس‌المتحیرین نوایی نیز عیناً درج شده است.

برای مدلل ساختن این ادعا دلیل دیگر اینکه در کتابخانهٔ انستیتوت شرقشناسی آکادمی علوم اوزبکستان شوروی، مجموعه نامه‌ها بنام «مکتوبات تیموریه» نگهداری می‌شود. نامه‌های این مجموعه مربوط به رجال قرن پانزدهم میلادی است که با دربار تیموریان هرات مربوط بوده‌اند. درین مجموعه تحت عنوان «از جامی به نوایی» هشت قطعه مکتوب مندرج است که همهٔ این مکاتیب در جملهٔ سی و سه

قطعه مکتوب مندرج در منشآت جامی موجود می‌باشد بنابراین، شواهد می‌رساند که اکثر نامه‌های بخش سوم منشآت جامی نامه‌هایی است که از طرف مولانا جامی به امیر علی شیرنوایی فرستاده شده و فقط سه مکتوب از جمله سی و سه قطعه به کسان دیگر نوشته شده است.^۲

تذکر این نکته لازم است که نوایی در «خمس‌المتحیرین» خویش هفده نامه و جامی در منشآت خود سی نامه بطور نمونه مندرج ساخته‌اند. اما به یقین می‌دانیم که میان این دو شخصیت نامه‌های زیادی رد و بدل شده و همه آنها در «خمس‌المتحیرین» نوایی و «منشآت» جامی گنجانیده نشده‌اند. برای اثبات این ادعا، یکی از نامه‌های مولانا جامی که به پاسخ نامه‌یی از نامه‌های امیر علی شیر نگارش یافته مثالی روشن شمرده می‌شود، بدین قرار:

«هرگاه قلمی بتراشم تا در جواب رقعۀ شریف ورقی بخراشم، هیچ نیابم که بارها آنرا نگفته و ننوشته باشم. از ملالت تکرار اندیشه کنم و اقتصار به رعایت اختصار پیشه سازم.

هرگه بر من ز هجرت آید دردی تحریر رباعی کنم یا فردی
زان می‌ترسم کزدم چون من سردی بر خاطر عاطرت نشیند گردی

مکتوب شماره ۴۶-۴۵

اکثر نامه‌های منشآت جامی، از نظر شیوه نگارش علاوه بر آنکه نشان دهنده مقام عالی ادبی و نماینده سخنگتری جامی در نظم اشعار است، چنین می‌رساند که وی در سبک منشائۀ نثر در پی هم یگانه روزگار خود بوده است. همچنان از این نامه‌های پیداست که وی با همه طبقات جامعه و محیط خودش روابط و علایقی داشته است و از همین جهت جامی از یگانه نامه‌های خویش نسخه برداری کرده و در سال‌های اخیر عمرش آن نامه‌ها را تدوین نموده «منشآت» خود را بوجود آورده است. او خود در مقدمه منشآت گوید:

«بعد از انشاء صحایف ثنا و محمّدت... نموده می‌آید که هر چند این کمینه بر اسرار صناعت انشاء اطلاع نیافته، و بر آثار منشیان فضیلت اتما بقدم اتباع نشناخته، اما چون بضرورت حکم وقت و اقتضاء حال، رقعہ‌یی چند در مخاطبۀ ارباب جاه و جلال و مجابوۀ اصحاب فضل و کمال، اتفاق افتاده بود، بمعیار طبع سلیم و ذهن مستقیم بعضی اجله مخادیم تمام عیار نمود، و درین اوراق جمع کرده شد و ترتیب داده آمد...».

تعدادی از مکاتیب مولانا جامی که اندیشه‌های اجتماعی وی را بصورت ساده و بی‌پیرایه و مشخص ارائه می‌کند در تحت عنوان «التماسنامه»ها و «سفارشنامه»ها در دست است و تا آنجا که به تحقیق پیوسته داخل منشآت وی نگشته است، زیرا که اکثر آن‌ها را در یک نسخه نوشته و بدون اخذ کاپی به مرجع آن فرستاده است.

اصل نسخه خطی این مجموعه نامه‌ها در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه استیوت شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی تحت شماره (۲۱۷۸) نگهداری می‌شود.^۵ در سال ۱۹۳۹ م. از روی این مجموعه دو نسخه خطی توسط عبدالله عادلوف استنساخ گردیده که آنها هم در همان کتابخانه تحت شماره‌های (۴۲۴۵) و (۵۱۳۶) محفوظ است. اصل نسخه خطی مجموعه مکاتیب دارای ابعاد ۴۱ x ۲۹ سانتی‌متر و حاوی چهل و شش ورق است. رقعہ‌ها به هر دو صفحه این اوراق مطابق گنجایش آن هر چه به هم نزدیک نصب گردیده، در صورت ننگنجیدن رقعہ‌ها، آنرا به دو یا سه پارچه تقسیم کرده پهلوی هم چسبانیده‌اند. شواهد می‌رساند که رقعہ‌های مذکور در همان وقت و زمانش بصورت لوله (طومار) پیچانیده شده بود و در بخش فوقانی آن‌ها امضای نگارنده رقعہ جا داشته که مرتب «مرقع» یا «مجموعه مراسلات» بخش امضاها را از اصل کاغذ بریده، اندکی بالاتر بطرف کنار راست رقعہ‌های

نصب شده گنجانده است. در صورتیکه بعضی از رقعها هم در بالا و هم در پایان امضا داشته، در آنصورت امضاهای مربوط به همان نامه را در دو قسمت آن قرار داده است.

این مرقع تا سال ۱۹۳۸ م. در کتابخانه شخصی یکی از کتاب دوستان (شریف جان مخدوم سال وفات ۱۹۳۵ م) در شهر بخارا محفوظ بود، درباره اینکه این نسخه معتتم چه وقت بدست شریف جان مخدوم افتاده، اطلاعی در دست نیست، ولی در ۱۹۳۸ م. این اثر در جمله کتابهای دیگر کتابخانه شریف جان مخدوم به شعبه کتب خطی کتابخانه عمومی شهر تاشکند وارد گردیده بعداً همه نسخه‌های خطی این کتابخانه به شمول «مجموعه مراسلات» به گنجینه کتب خطی انستیتوت شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی تعلق گرفت.

تا حال در مورد اینکه مرتب این مرقع کدام شخص بوده است، اطلاعی در دست نداریم. مطالب یک تعداد زیاد این رقعها می‌رساند که تعدادی از آنها به امیر علیشیر، برخی به سلطان حسین میرزا و بخشی به سایر ارکان دولت تیموریان هرات فرستاده شده است. پس می‌توان حدس زد که نامه‌های واصله یا در دفتر دولت تیموری هرات یا توسط امیر علی شیر نوایی به تدریج جمع آوری گردیده که بعداً بامر امیر علی شیر نوایی بصورت مرقع باو داده‌اند. برای این حدس دلایلی نیز موجود است، و آن اینکه: نوایی در کتاب «نسایم المحبه» خویش آنجا که درباره خواجه عبدالله احرار سخن می‌راند، درباره نامه‌هایی که از خواجه احرار می‌گرفته چنین می‌نگارد: «ایشان بنا بر اینکه باین حقیر التفات زیاد داشتند... بارقع‌هایی مشرف می‌ساختند، از آن رقعها مرقعی ساخته با جدول و تکلفات آراسته نگاه داشته‌ام.» (ترجمه از نسایم المحبه)

در این مجموعه یکصد و بیست و هشت قطعه مکتوب خواجه عبدالله احرار موجود است، لهذا می‌توان گفت آن مرقعی که نوایی در نسایم المحبه از آن یاد کرده است احتمالاً همین مجموعه‌یی است که الان ما در اختیار داریم، از همین جاست که این مجموعه تا امروز بنام «مرقع نوایی» شناخته شده است. تاریخ مرتب ساخته شدن این «مرقع» نیز بدرستی معلوم شده نمی‌تواند. به اساس تاریخ نامه‌های این مجموعه، آخرین تاریخ نامه‌ها، نامه‌یی است که جامی درباره سال وفات خواجه عبدالله احرار «ماده تاریخ» نوشته است (نامه شماره ۲۷۴-۲۷۹). می‌دانیم که خواجه احرار بسال ۸۹۵ هجری وفات یافته. از ماده تاریخی که جامی نیز همین سنه برمی‌آید، بنا بر این، این «مجموعه مراسلات» پس از سال ۸۹۵ مرتب گردیده است، اما اگر مطالبی را که نوایی در نسایم المحبه خویش آورده، در نظر بگیریم این تاریخ نمی‌تواند پس از سال ۸۶۵ هم باشد، زیرا که نوایی در همین سال، تالیف کتاب نسایم المحبه خویش را پایان رسانیده بود.

تاریخ کتابت رقع‌های این مجموعه، به اساس محتوای نامه‌ها، سال‌های ۸۹۸-۹۷۳ هجری را احتوا می‌کند. سال ۹۷۳ هجری همان سالی است که نوایی از سمرقند به دربار سلطان حسین میرزا وارد هرات گردید و سال ۸۹۸ هجری سال وفات مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی می‌باشد. به اساس محتوای نامه‌ها فقط دو یا سه قطعه ازین مکاتیب، می‌تواند به سال‌های اخیر دوره حکومت سلطان ابوسعید تیموری (۸۵۵-۸۷۲ هجری) (۱۴۵۱-۱۴۶۹ میلادی) تعلق داشته باشد.

تعداد رقع‌هایی که در «مرقع» جمع آوری گشته ۵۹۴ است که بیشترین آنها یعنی ۳۳۷ رقعه بقلم جامی است، بقیه آنها دستخط و امضای پانزده نفر از رجال مهم فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر، مدرسان مدارس هرات خواجه عبدالله احرار و فرزندان وی و سایر رجال طریقت و تصوف همان عصر را دارد.^۷ این نامه‌ها در روشن کردن تاریخ حیات معنوی نیمه دوم سده پانزدهم میلادی خراسان و ماوراءالنهر، و در روشن کردن این موضوعات که اهل طریقت به سرکردگی خواجه احرار منافع خویش را در ارتباط با دربار تیموری پیش می‌بردند و با تحلیل علمی این روابط، در آموختن اوضاع اجتماعی

قلمرو تیموریان حاوی اهمیت است.

در اکثر رقع‌های جامی امضای «الفقی‌ر عبدالرحمن الجامی» و در دو قطعه ازین نامه‌ها «داعی مخلص عبدالرحمن» و در یکی از آن‌ها «الفقی‌ر نورالدین جامی» آمده است. مکاتیب مذکور عموماً بخط نسخ خوانا و روشن کتابت شده، که خط این نامه‌ها عیناً شبیه خطی است که خود مولانا جامی بعضی آثار ادبی‌اش را به همان خط استنساخ کرده، لیکن درین مکاتیب مذکور نامه‌هایی هم هست که سطرهای نخستین آنها بخط نسخ آغاز شده، بعداً به تدریج بخط نستعلیق گذشته و در اخیر نامه صورت شکست را گرفته است. علتش این است که جامی بعضی رقع‌هایش را در سفر و حضر و اینجا و آنجا و به سرعت و ثانی نوشته به مرجع آن فرستاده است، و این شرایط تغییراتی را در انواع خطوط جامی وارد آورده، بطور مثال نامه شماره ۱۱۶ (۱۲۱) داخل مرقع را ازین نگاه مورد تحقیق قرار می‌دهیم:

جامی در ضمن سفری که به سال ۸۸۴ از هرات به ماوراءالنهر کرده بود ظاهراً احوال و جریان حرکت خود را از فاراب به سوی تاشکند ذریعه این نامه بدو ستش امیر علیشیر نوایی گزارش می‌دهد و از اینکه نامه را بالای اسپ نوشته و خط آن ناهموار است، از وی معذرت می‌خواهد.

«بعد از رفع نیاز معروض آنکه در پانزدهم ماه ربیع‌الآخر به جهت استدعا حضرت خواجه بجانب تاشکند توجه واقع شد همه یاران در ضمان صحت و سلامت‌اند. امید است که عنقریب مراجعت واقع شود. معذور دارند که این کتابت بر پشت اسپ واقع شده است. توفیق رفیق باد. والسلام.

الفقی‌ر عبدالرحمن جامی

از جمله ۳۳۷ قطعه مکبوب جامی فقط بیست قطعه آنها در رساله «خمسة المتحرین» نوایی و در «منشآت» جامی موجود است. بقیه در همین «مجموعه مراسلات» (مرقع) بخط نگارنده آنها محفوظ مانده است.

اینکه جامی، نامه‌های خویش را به چه اشخاص فرستاده بود از محتوای مکاتیب فهمیده نمی‌شود. ظاهراً نامه‌ها بدون داشتن نام مرسل الیه دست بدست توسط قاصدان و رساننده‌گان به شخص مطلوب رسانیده می‌شده. در حال حاضر از روی اصطلاحات، عبارت آرایبی و تبجیل طرف مقابل که دارای مقام و رتبه‌یی بوده، می‌توان حکم کرد که مخاطب نامه چطور شخص است. جامی فقط در یکی از نامه‌ها (شماره ۹) نام علیشیر نوایی را ذکر کرده است. «جناب امیر علیشیر عالی گهر» از روی این مثال و باستناد محتوای رقع‌ها می‌توان گفت که اکثر نامه‌های جامی به امیر علیشیر نوایی فرستاده شده است. به همینگونه بعضی از مکاتیب، به سلطان حسین میرزای بایقرا یا یکی از حکمداران و امیران آن دربار نگاشته شده است. گفتن این نکته نیز لازم است که نامه‌هایی که به سلطان حسین میرزا نوشته شده هم ذریعه نوایی به او رسانده شده است. چنانکه جامی در یکی از نامه‌های خود (شماره ۵) درباره برطرف کردن نابسامانی‌های شهر هرات و ضرورت کم کردن مالیات فوق‌العاده مطالبی دارد: «اگر مصلحت وقت باشد به عرض همایون برسانند شاید که فکر حال مسلمانان بکنند». بدین ترتیب موضوع را توسط نوایی کنایتاً به سلطان حسین میرزا می‌رساند.

علاوه برین جامی در «منشآت» خود مکاتیبی را که به سلطان نوشته رأساً زیر عنوان «به سلطان» نوشته، بلکه آنرا تحت عنوان «رقعه‌هایی که به ملازمان حضرت سلطنت شعار» جای داده و در متن مکبوب هم عنوان‌های «به دولتخواهان سلطان» و «به ملازمان سلطان» را ذکر کرده است. ظاهراً در عصر جامی اشخاص عادی به همین شکل به سلطان عرض خود را می‌توانسته‌اند برسانند، یعنی توسط مقربان و ملازمان پادشاه، و رویاروی با سلطان حرف زدن و یا نامه نوشتن باو معمول نبوده است.

اگر ما موقعیت و موقف امیر علیشیر را در دربار تیموری‌ها در نظر بگیریم و اینکه او زمان درازی عهده‌دار وظایف بس مهم دربار تیموریان بوده، می‌توانیم ادعا کنیم که علاوه بر آن نامه‌هایی که بعنوان

علیشیر نوایی نوشته شده، باقی نامه‌ها نیز از نظر او گذشته و توسط او به سلطان رسیده است. جامی درباره کارهای مملکت و احوال مردم با اندوه فراوان بدربار نامه می‌نویسد و مطمئن بوده که شاگرد و دوست او نوایی آنرا در دربار تقویت و حمایت می‌کند، به همین دلیل هنگامیکه نوایی از محیط دربار خسته شده و می‌خواسته از کارهای دولت کناره‌گیری اختیار کند، از جامی مصلحت می‌جسته و او با دلایل گوناگون نوایی را ازین اقدام باز می‌داشت و به ادامه کار تشویقش می‌کرده است.

جامی درباره غایب‌های بشردوستی و خدمت به انسان در نامه (شماره ۶۴-۶۹) خود چنین می‌نویسد:

«بعد از عرض اخلاص به لسان محبت و اختصاص، معروض آنکه قرب سلطان صاحب قدرت و مجال قبول سخن در آنحضرت نعمتی بزرگست و شکر آن نعمت صرف انفاص و اوقات است به مصالح مسلمانان و دفع مفاصد ظالمان و عوانان و اگر ناگاه از ممر این شغل عیاذا بالله طبع لطیف را گرانی حاصل آید و خاطر شریف را پریشانی روی نماید، تحمل آن گرانی را در کفه حسنات وزنی عظیم خواهد بود و مصابرت بر آن پریشانی را در جمعیت اسباب سعادت دخلی تمام.

راحت و رنج چون بود گذران رنج کش بهر راحت دگران
زانکه باشد به مزرع امید رنج تو تخم راحت جاوید

حق سبحانه و تعالی توفیق دستگیری از پای افتادگان و پایمردی عنان از دست دادگان رفیق گرداناد. والسلام والاكرام. «الفقیر عبدالرحمن الجمالی»

تذکر این نکته لازم است که جامی در هیچ یک از مکاتیب خود منفعت شخصیتش را در نظر نداشته است. نامه‌های جامی بدو دسته تقسیم شده می‌تواند: تعدادی از نامه‌ها ارتباط دوستی و همکاری میان جامی و علیشیر نوایی (۳۵ نامه) و مناسبات جامی با سلطان حسین میرزا و دیگر درباریان را (۱۸ نامه) می‌نمایاند. تعدادی دیگر مشتمل بر التماس نامه‌هایی است که جامی بخاطر رفع حاجت یا مشکل مردم و برای منفعت توده‌ها نوشته است.

نامه‌هایی که جامی برای نوایی نوشته، چند بخش است:

تعدادی از نامه‌ها شرح جریان حج کردن جامی و سفر او به مکه و مدینه، سال‌های (۸۷۶-۸۷۸ هـ) با احوال سلامتی یا شرح مسافرت جامی در ماوراءالنهر و آگاه ساختن او نوایی را از سلامتی خودش، شماری در حقیقت جواب نامه‌هایی است که نوای در اثای سفر خراسان به جامی ارسال نموده بود و برخی، نامه‌هایی است که بنا بر خواهش نوایی رساله‌هایی را تألیف و ارسال نموده و همچنان در مورد ارسال قسمت‌هایی از کتاب «نفحات الانس» به نوایی رقعه‌هایی نوشته است.

بسیاری ازین مکاتیب - چه آن‌هایی که به نوایی نوشته شده و چه آن‌هایی که بدیگران - سبک عالی ادبی دارند و در آنها برای بیان مقصد از شیوه‌های ادبی استادانه کار گرفته شده و در متن‌های نثری پارچه‌های مناسب اشعار آمده است، بیست قطعه مکتوبی که در «منشآت» جامی و در «خمسة المتحیرین» نوایی آورده شده و در آلبوم نیز موجود است، همه در جمله رقع‌های دسته نخستین به حساب می‌آیند. مکاتیبی که شامل دسته دوم می‌شوند - چه آن‌هایی که به علیشیر نوایی و چه آن‌هایی که به دیگر رجال دربار نوشته شده - از نگاه سبک و مضمون با مکاتیب دسته نخستین کاملاً متفاوت‌اند. این نامه‌ها اکثر با جمله «بعد از عرض نیاز معروض آنکه» آغاز شده و مطلب با جملات و با بیان بسیار کوتاه و مختصر بیان مطلب به جمله «توفیق رفیق باد. والسلام» و امضای جامی خاتمه می‌یابد.

این گونه رقع‌ها نشان دهنده نقش جامی در مسایل اقتصادی اجتماعی و مدنی مملکت و غمخواری و همدردی او با مردمان عادی است.

زمانیکه تیموری‌ها در ماوراءالنهر و خراسان حکمروایی داشتند، بنا بر خصلت آنگونه حکومت‌ها

و بنابر خصلت جامعه فیودالی آن زمان هم از طرف شریعت، مال، خراج و ذکات و هم از طرف دولت مالیات‌های دائمی و موقت چون: عوارضات، اخراجات، حوالات و ازین قبیل بر مردم تحمیل می‌شد که جامی این مالیات را نظر به مناسبت جمع آوری آن به نام‌های مختلف یاد کرده است. در رقعہ‌های جامی با نام‌هایی چون: دودی، لشکر، مددی، مدد لشکر، نامبردار، مدد نامبردار، پیاده، سرانه و پیشکش به کثرت برمی‌خوریم. جامی چون از نزدیک با احوال و زندگی مردم آشنا بود و تاثیر اینگونه باج و خراج‌ها را بر مردم بدرستی می‌دانست، همواره برای رفع اینگونه مالیات بدربار نامه‌ها می‌نوشت که بطور مثال نامه شماره (۷۵-۷۰) را برای اثبات ادعای بالا، نقل می‌کنیم.

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه حال رعایای شهر و بلوکات بواسطه حوالاتی که نسبت به ایشان واقع می‌شود به مقام اضطرار رسیده است و نزدیک است که سلسله زراعت و سایر احوال ایشان از انتظام بیفتد و این قصه بخدمت صاحب اعظم خواجه معین‌الدین گفته شد. ایشان از آنجا که مقام انصاف و نیکخواهی ایشانست نسبت با مسلمانان بسیار اظهار عجز و درماندگی کردند و گفتند که مضطر و حیران مانده‌ام. از آرد و حوالات بسیار واقع است و پیش رعایا چیزی باقی نیست هرچه بوده باضعاف گرفته‌اند. التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که در حوالات تخفیفی واقع شود که اگرچه بعضی آنها را ضروری اعتقاد دارند ترک تعدی بر مسلمانان از آن ضروری‌تر است. حضرت حق سبحانه توفیق آنچه مصلحت دنیا و آخرت در آن باشد رفیق گرداند. بمنه وجوده. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

از جمله آخر رقعہ، اعتقاد جامی به چگونه‌گی مناسبات طبقه حاکم با مردم عادی و غایه‌های انسان پروری جامی بخوبی نمودار است. در رقعہ‌های دیگر هم این غایه و این اعتقاد جامی در مورد زندگی متجلی است - چه در رقعہ‌هایی که جامی بنا به خواست یک حاجتمند بخصوص نوشته و چه در آن رقعہ‌هایی که بنابر تشبث شخصی خود نوشته است. بطور مثال در نامه شماره (۵۲۰-۵۲۶) چنین می‌خوانیم:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه چنین استماع افتاد که در اردوی همایون مبلغی باسم خدمت خواجه کمال‌الدین مظفر رقم می‌زده‌اند که به رسم پیشکش بدهند. درین مدت معلوم نشده است که ایشان از کسی چیزی گرفته باشند و از بسیاری مردم شنیده شده است که ایشان چیزی نمی‌گیرند. التماس آنکه چون حال برین موجب باشد عنایت نموده دفع آن بکنند و اگر نه ازین قضیه توهم آن می‌شود که ایشان تجویز آن می‌کنند که چیزی بگیرند. توفیق رفیق باد و سعادت زیادت. والسلام.»

می‌بینیم که درین رقعہ، جامی نه تنها از شخص مذکور می‌خواهد که از بیعدالتی حمایت نکند، بلکه هشدار می‌دهد که اگر از یک رجل دولتی بصورت غیر قانونی پولی گرفته می‌شود، آن شخص تلافی آنرا از مردم عادی می‌کند که در نتیجه این بار بر دوش مردم عادی می‌افتد و بنابر آن جلوگیری از چنین اعمال را نیز می‌طلبد. در نامه شماره ۳۷۱ و ۳۷۷ چنین آمده:

«بعد از رفع نیاز مرفوع آنکه دارنده و سایر فقیران تظلم می‌کنند که بر هر سر مقداری ملخ انداخته‌اند و بعد از تشویب بسیار که ملخ می‌آرند از ایشان سرانه آن می‌طلبند و ایشانرا استطاعت آن نیست و تفرقه بسیار بایشان راه می‌یابد. اگر چنانچه عنایت نموده چنانکه ملخ را دفع می‌کنند سرانه آنرا نیز دفع کنند عتدالله ضایع نخواهد بود. توفیق رفیق باد. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

این نامه شاهد زنده این ادعاست که جامی به مردم عامه غمخواری داشته، مردم نیز او را حامی خود دانسته، در وقت مشکلات به او مراجعه می‌کرده‌اند و او نیز همیشه در خدمت آنان قرار می‌گرفته و از منافع آنان دفاع می‌کرده است. این ادعا از رقعہ‌های دیگر نیز بوضوح می‌پیوندد. مثلاً رقعہ شماره ۵۰۴ و ۵۱۰ سبک ساختن مالیاترا از دوش مردم بلوک سبقر - بعلت آنکه در آن جا خرابیها رخ داده از دولت التماس می‌نماید.

جامی اگر در نامه‌های متذکره سبک ساختن مالیات را از دوش مردم یک ولایت یا یک موضع خواسته، در رقع‌های دیگر افراد بی‌بضاعت را که تحت اینگونه شرایط قرار گرفته‌اند، بنا برخواست آنان حمایت کرده، احوال آنان را به مقامات دولتی فهمانده و آنان را از زیر بار ظلم آزاد کرده است: مثلاً در نامه شماره ۱۷۲ و ۱۷۷ می‌خوانیم:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه آرنده شیخ احمد را نامبردار نوشته‌اند و مردم صالح گواهی می‌دهند که او را استطاعت آن نیست. التماس آنکه عنایت نموده تفحص فرمایند که بروی حیف و تعدی نرود. توفیق رفیق باد. والسلام.»

همچنان در رقع شماره ۳۹۵ و ۴۰۱ معاف ساختن شخصی از ملازمان دربار را از ملازمت و لشکر می‌خواهد:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه امیرقاسم اخنجی را بواسطه احتیاج و عیالمندی میل دهفت و زراعت شده است. التماس آن می‌دارد که عنایت نموده وجهی سازند که او را از ملازمت و لشکر و سایر تکلفاتی که می‌باشد معاف و معذور دارند تا بفراغ خاطر بکار خود و دعاگویی دوام دولت مشغول تواند بود. توفیق رفیق باد. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

غمخواری جامی با مردم تنها در مورد رفع مالیات نبوده، بلکه دربارهٔ معاملهٔ ملاکان و رجال دربار با عامهٔ مردم، جلوگیری از خیانت و ظلم عاملان بر مردم و فراموش نکردن منافع مردم در همه حال، نمونه‌های دیگر غمخواری او به شمار می‌رود. بطور مثال در نامه شماره ۳۷ و ۳۸ چنین آمده:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه آرنده بزرگ مزار شیخ ابوالولید بوده و کرمی را که او بزرگ بوده فروخته‌اند و در حصه او تعلق می‌کنند و قسمتی را از آن حواله به کسی کرده‌اند که نمی‌دهد. التماس آنکه عنایت نموده چنان کنند که حق او بدورسد. توفیق رفیق باد. والسلام.»

تعدادی از مکاتیب «مرقع نوایی» اندیشهٔ جامی را در مورد آبادانی کشور نشان می‌دهد، درین جا او با تدبیر زیاد، عاملانی را که با در نظر گرفتن منافع مردم کار می‌کنند، تشویق می‌کند و به این ترتیب دیگران را نیز به چنین اعمال ترغیب می‌نماید. مثلاً در نامه شماره ۶۶ و ۷۱ می‌خوانیم:

«بعد از عرض نیاز عرضه داشت آنکه بواسطه حسن معاش خدمت خواجه سیف‌الدین مظفر رعایا را امیدواری تمام حاصل شده، در زراعت و عمارت کوشش نمودند. بحمدالله تعالی بسیاری از مواضع معمور و مزروع گشته، عجزه و رعایا از سر فراغ خاطر بدعاگویی دوام دولت بندگان حضرت اشتغال دارند و مردم عزیز می‌گویند که درین مدت کس این نوع غمخواری رعیت نکرده و در آبادانی کوشش ننموده، مناسب دولت ابد پیوند چنان می‌نماید که به نوعی عنایت و مرحمت نسبت بایشان واقع شود که موجب مزید امیدواری رعایا و سبب نیک معاشی امثال ایشان شود و فرق میان نیک معاش و بدمعاش ظاهر گردد. ظل رافت و سایه عاطفت ابدالآباد بمدود باد. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

همچنین در رقع شماره ۱۵۹ و ۱۶۴ «مرقع نوایی» جامی در باب جویی که از موضع نعمت آباد هرات کشیده شده می‌نویسد و تذکر می‌دهد که خودش شخصاً آنرا در نزدیک دیده و کار و فعالیت شخص موظف را ستوده است.

تعداد زیاد نامه‌های جامی راجع به تأمین معیشت طلاب علم و مدرسان مدرسه‌های هرات نوشته شده است. چنانکه از رقع‌ها برمی‌آید علما، مدرسان و طلاب مدرسه‌های هرات از درک معاشی که از حاصلات زمین‌های وقفیه به آنان داده می‌شد، زندگی می‌کردند. اندازهٔ معاش به شیوهٔ رسمی معلوم کرده شده بود. ولی گاهی چنین به وقوع می‌پیوست که همان اندازه معاش معین نیز بدست طلبه نمی‌رسید. از همین جهت آنان از جامی طالب کمک شده از او خواستار نوشتن التماس نامه‌ها می‌گردیدند و جامی هم این خواهش‌ها را می‌پذیرفت. چنانچه نامه شماره ۱۱۵-۱۲۰ مؤید همین

ادعاست:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا برهان‌الدین و مولانا جلال‌الدین محمود، مردم فقیر و غریب صالح‌اند و به تحصیل مشغول، اگر چنانکه عنایت نموده وجهی شود که مایحتاج ضروری ایشان را از اوقاف بایشان برسانند از قاعده شفت و مرحمت دور نمی‌نماید. توفیق رفیق باد. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

این التماس مورد قبول واقع شده و معاش تعیین گردیده و بعدتر شاید باز معطل قرار داده شده، چنانچه جامی در یک رقعۀ دیگر شماره ۱۴۲ و ۱۴۷ درباره جلال‌الدین محمود می‌نویسد:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا جلال‌الدین محمود که رافع رقعۀ اخلاص‌اند، مردم صالح و طالب علم و فقیر و غریب‌اند و از اوقاف محقر وظیفه داشته‌اند که معاش بدان می‌گذرانیده‌اند و حالا آنرا بازگرفته‌اند و ایشان مضطر مانده‌اند. التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که فقیرانی که فقر و استحقاق ایشان بسیار ظاهر است، بلکه توان گفت که از ایشان هیچکس مستحق‌تر نیست معروم نمانند و حاصل اوقاف بغیر ایشان مصروف نگردد. توفیق رفیق باد. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

در میان نامه‌های مرقع در مورد مسایل حقوقی و هر نوع دعوی جنایی پشتیبانی و حمایت جامی از ستم‌دیدگان به چشم می‌خورد و معلوم می‌شود که جامی برای حمایت از منافع ستمکشان التماس نامه‌ها نوشته است و مخصوصاً از منافع زنان بی‌سرپرست و کودکان حمایت نموده خواسته که اینان را از منابع مادی و حیاتی محروم نسازند، چنانچه در نامه شماره ۱۰۷ و ۱۱۲ چنین آمده:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه از شاه خواجه و کبخسرو میرآخور به سیاست سلطانی رسیده‌اند پانزده فرزند مانده است که اکثر صغیراند و می‌گویند از اسباب معاش آنچه بوده است بعضی را به موجب حکم همایون و بعضی را بی‌حکم گرفته‌اند و محقر ملکی مانده است که توهم آن را دارند که آن هم دیوانی شود. التماس آنکه چون جمعی صفار در میانند عنایت نموده و دولتخواهی حضرت خلافت پناهی مداخله تعالی ظلال معدلته کرده، اهتمام فرمایند که حق ایشان ضایع نشود و التفات فرمایند که نشان همایون حاصل شود که آن ملک را هیچ‌کس متصرف نشود و بایشان بازگذارند تا بمعاش خود صرف کنند و بدعای دولت مشغول باشند. توفیق رفیق باد. والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی»

چنانچه گفته آمدیم، رقعۀ هایی که در مرقع جمع آوری شده همه از شخصی به شخص دیگر نوشته شده، و ما به جواب این رقعۀ‌ها و یا تدابیری که بنابر التماس نامه‌ها اتخاذ گردیده، تا حال معلومات و دسترسی نداریم. درین مورد از روی محتوای بعضی از رقعۀ‌های جامی که در مرقع موجود است، می‌توان حدس‌هایی زد، بطور مثال جامی در رقعۀ شماره ۴۵۹ و ۴۶۵ خود می‌نگارد:

«بعد از عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآب سید علی اکبر شکرگذاری احسانهایی که نسبت بوی واقع شده است می‌کند و چشم بر مقتضای لثن شکرتم لازید نکم می‌دارد. والسلام»

ازین رقعۀ معلوم می‌شود که التماس نامه قبلی که بخاطر سید علی اکبر نوشته بوده مؤثر افتاده و گیرنده نامه حاجت و کار آورنده رقعۀ را بر آورده ساخته و باین ترتیب جامی با نوشتن تشکر نامه از زبان سید علی اکبر، در حقیقت امتنان خودش را نیز اظهار کرده است.

لازم به یاد آوری است که تمام التماس نامه‌های جامی تأثیر یکسان نکرده و یکسان مورد قبول واقع نشده است. جواب مثبت به رقعۀ‌های جامی در بعضی حالات داده شده و آرزوهای نیک این ادیب بزرگ، مانند برطرف کردن علل و عوامل مختص به جامعه فیودالی، رفع هرگونه بی‌عدالتی‌ها، رفع مائیات فوق‌العاده و پی هم، از بین بردن زد و خورد‌های خونین و جبر و ظلم ناحق عملداران بر محنت کش اگر به شکل یک آرزو باقیمانده و جامعه عمل نبوشیده است.

از آنچه گفتیم، بصورت فشرده می توان استنتاج کرد که اهمیت رقعہ های جامی که در «مرقع نوایی» تدوین شده عبارت ازین هاست: اول اینکه این رقعہ ها ما را به درک و شناسایی حیات مدنی اجتماعی و اقتصادی مردمان ماوراءالنهر و خراسان در عصر زندگی جامی و نوایی کمک می کند و به حیث یک مدرک تاریخی مورد استفاده قرار گرفته می تواند.

دوم اینکه اگر سؤاله نوشتن و ارسال داشتن اکثر این رقعہ ها به نوایی را در نظر بگیریم، این رقعہ ها دلیل روشنی است بر همفکری و همنوایی و مشترک بودن اهداف ایشان در بسا از مهمات امور زندگی و بالاخره این رقعہ ها نشان دهنده این حقیقت است که در میراث گرانمای ادبی این دو شاعر و ادیب بزرگ - جامی و نوایی - تجربیات عمیق حیاتی و غایه های نیک انساندوستی نهفته است.

(ترجمه شفیه یارقین)

منابع و مراجع

- ۱- منشآت جامی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نوزدهم، شماره ۴-۱، تیریز ۱۳۴۶ و حاشیه و رقعهای ۵۳۱ تا ۵۶۵ ب نسخه خطی شماره ۱۳۳۱ کلیات آثار جامی که در گنجینه کتب خطی انستیتوت شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی محفوظ است.
- ۲- نسخه خطی شماره ۲۲۷۸ کتابخانه انستیتوت شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی.
- ۳- مرقع نوایی یا مجموعه مراسلات شماره ۲۱۷۸ کتابخانه انستیتوت شرقشناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی، ورق ۶ ب (رقعه ۴۵-۴۶).
- ۴- محمدحسین بهروز، حسین واعظ کاشفی و آثار منشیان او (قرنهای ۱۴-۱۵ میلادی) خلاصه رساله نامزدی علوم، مسکو ۱۹۷۰.
- ۵- علی شیر نوایی، نسایم المحبة. نسخه خطی شماره ۸۵۷، انستیتوت شرقشناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی، ورق ۱۷۸ ب.
- ۶- فهرست نسخ خطی شرقی کتابخانه انستیتوت شرقشناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی، جلد ۱، تاشکند، ۱۹۵۲، صفحات ۱۴۹-۱۵۱.
- ۷- عبدالرحمن جامی، شواهد النبوة، نسخه های خطی شماره ۴۲۷۷ و شماره ۱۱۶ و شماره ۸۸۶۲ کتابخانه انستیتوت شرقشناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی.

بمدار عرض مبارک مخصوص آنکه حد
 مرادی اعظمی مولانا سید الدین که اصلاح
 و تکمیل بعضی موضوعات و تدوین هرچند
 حاصل
 عدم و درسی که در رساله او در مورد
 حواصیل در صورتی که منسوخ است
 حالا
 حاشیه ها و حواصیل با مسائل مرتب
 بی برخی سرعی اسامی اعزل کرده اند و بعضی دیگر
 عرض صاحب الکتاب، آنکه تمام حواصیل این
 اسامی درج ندادند و بعضی کس که جمع کرده
 باشد مدارک و ملاواند و بعضی بنام

کتابخانه
 مرکزی
 دانشگاه تبریز
 تاریخ ثبت
 ۱۳۴۷/۴/۱۰